

مبحث اول

در تعدیات مأمورین دولتی نسبت بدولت

۵ - قصد عمل (قصد جرم)

رکن اول صفت مجرم ماده ۱۵۲ منطبق نمی گردد مگر بر اشخاصی که وظیفه آنها طبق ماده مزبوره تعیین شده و آنها عبارتند از تحصیلداران مالیاتی و معاونین آن ها و امانتداران دولتی و محاسبین آنها و صندوق داران دولتی و اشخاصی که تقدینه دولت بدست آنها سپرده شده و یا اوراق و حوالجات و اسناد و هر شیئی منقولی که بر حسب وظیفه سپرده بآنها است :

از عبارت مندرجه در ماده ۱۵۲ چنین استفاده می شود که لازمه انطباق جرم با مجرم آن نیست که فرکتب مستخدم رسمی دولت باشد زیرا هر کسی که از طرف دولت باو تکلیف شد شیئی را محافظت نماید و قبول آن تکلیف را نمود مشمول ماده فوق الذکر است مثلاً دکان داری که نمبر های دولتی را از طرف پستخانه بعنوان امانت قبول می نماید (چون صندوق پست جنب دکان او هست) که مراجعه کنندگان از او نمبر خریداری نموده و نامه های خود را در آنجا بصندوق می افکنند دکان دار مزبور در حکم امین دولت است چنانچه از وجود مزبور برداشت نماید مجرم و مشمول ماده فوق الذکر است .

بالعکس نص عبارت مندرجه در ماده ۱۶۹ قانون مجازات عمومی فرانسه شامل غیر اشخاص مستخدمین دولت نمی گردد .

مقننین ایران از ذکر کلمه مستخدم عمومی که در مقابل فرانسوی است احتراز جسته تا معاکم دائره جرم اختلاس را محصور بمستخدمین دولتی ننمایند و فروشنده نمبر فوق خارج از حکم ماده مزبور نگردد :

بنا بر شرح فوق چون در ماده ۱۵۲ قانون مجازات

۱ - اختلاس اموال دولتی و خیانت مأمورین

ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی - هر يك از تحصیلداران و معاونین آنها و امانت داران و محاسبین امانت صندوق دولتی که تقدینه متعلق بدولت یا اشخاص یا اسناد و مطالبات که بمنزله تقدینه است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که بر حسب وظیفه سپرده آن ها است اختلاس یا هر تصرف غیر قانونی نماید بعلاوه رد مال و تأدیه غرامتی معادل ضعف مال محکوم به انفصال از خدمت دولت از ۱ تا ۱۰ سال خواهد گردید .

جرم اختلاس یکی از فروض جرم خیانت در امانت و از افراد جرائم مندرجه در ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی است لکن تمیز دهنده بین آن و خیانت در امانت آن است که عمل از طرف مأمور دولت یا اشخاصی که در حکم مأمور دولت هستند نسبت به اموال دولتی یا اشیائی که در امانت دولت هست واقع گردد عبارت صریح ماده ۱۵۲ مأمورین و اشخاصی که در حکم مأمورین دولت هستند را شامل می گردد و از عبارت (تقدینه متعلق بدولت یا اشخاص) فهمیده می شود که اموال اشخاصی که در نزد دولت امانت است اختلاس آنها نیز مشمول ماده فوق الذکر است برای پیدا شدن این جرم وجود پنج رکن لازم است .

۱ - صفت مجرم (مستخدم یا در حکم مستخدم بودن)

۲ - عمل اختلاس یا اخفاء

۳ - نوع اشیاء مختلسه یا مخفی شده (که اشیاء مزبوره بایستی از اموال دولتی و یا اشیائی که در امانت دولت هست باشد)

۴ - اشیاء مزبوره بایستی بر حسب وظیفه بدست

مجرم سپرده شده باشد یا در حکم سپردن باشد

به عرض حال به او سپرده شده با مأمور بازجوئی جرم که در حین بازجوئی اشیاء تحصیل شده از جرم را با پرونده کار به او تسلیم مینمایند

مثلاً مستنطقی که با پرونده اتهامیه به سرقت وجوه سرقتی به آنها تسلیم می شود جزء امناء مندرجه در ماده فوق محسوب می شود شرط اساسی امناء مندرجه در ماده مزبوره آن نیست که رأساً وظیفه آن شخص حفظ امانات و ودایع باشد زیرا مستنطق بر حسب وظیفه و وظیفه اولیه که عهده دار انجام آن است موظف به بازجوئی میباشد و موظف به حفظ امانات و اشیاء مسروقه نیست ولی در عین حال وقتی که پرونده جزائی به او تحویل شد که در ضمن پرونده مزبور اوراق بهادار یا نقدیه حاصل شده از جرم و یا اموال منقول دیگری به او تسلیم شد بالملازمه امین بر آنها خواهد بود در صورت تصرف غیر قانونی در آنها مشمول ماده فوق الذکر خواهد گردید و بالعکس چنانچه نوکر شخصی آن مستنطق یا سایر اشخاص فوق الذکر که اموال و نقود بدست ارباب آن ها سپرده شده چنانچه مرتکب برداشت و یا تصرف غیر قانونی در اموال مزبور گردند مشمول ماده ۱۵۲ نخواهند بود و ممکن است طبق مواد دیگر از قانون مجازات عمومی مجازات شوند.

رکن دوم در عمل مجرم

اختلاس یا تصرف غیر قانونی :

اختلاس یا اختفاء مندرج در ماده ۱۶۹ قانون مجازات عمومی فرانسه استفاده می شود که شیشی از تصرف شخص دیگری خارج شود و مختلاس در آن تصرفی نماید فرض ما آن است که شیشی اختلاس شده در تصرف مختلاس بوده و از حیازات شخص دیگری خارج نکرده است بنابراین مقننین ایران معنی فارسی عبارت مندرج در قانون مجازات عمومی فرانسه را در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی ایران نقل نموده است تا این که فرق بین اختلاس و سرقت واضح باشد زیرا سرقت ربودن مخفیانه

عمومی مجازات حبسی برای مرتکبین تعیین نشده بود و با فرضی که نسبت بعمل غیر مستخدم دولت نمودیم اجراء مجازات در باره او (انفصال از خدمت دولت) معنی نداشت مقننین ایران در آذر ۱۳۰۹ موادی بسرای مختلسین اموال دولتی وضع که در ماده ۲ آن چنانچه اختلاس کمتر از یانصد تومان باشد برای مختلس حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال تعیین و در صورتی که بیش از یانصد تومان باشد حبس مجرد از دو تا ده سال مقرر نموده از قید کلمه تکلیف دولت به او و قبول تکلیف مندرجه در فوق استفاده می شود چنانچه عده از افراد اعانه برای صرف در امور خیر به جمع آوری و نزد شخصی تودیع نمایند آن شخص وجوه مزبوره را تصاحب و یا تلف نماید مشمول ماده مزبوره نخواهد بود زیرا تکلیفی از طرف دولت به او نشده و قبول تکلیف هم نکرده است عمل مشارالیه مشمول ماده ۲۴۱ خواهد بود بالعکس چنانچه بر حسب امر دولت اعانه برای عده جمع آوری شود و وجوه مزبور بر حسب امر مقامات دولتی نزد موسسه یا شخصی امانت گذارده شود و آن شخص در آن ها مرتکب تعدی یا تفریط گردد مختلس اموال در امانت دولت محسوب و مشمول ماده ۱۵۲ میگردد.

بنابر این ممکن است گفته شود شرط اساسی موجود شدن رکن اول آن است که مجرم مستخدم دولت و شخصی که مکلف بخدمات عمومی و تحصیلدار و امین بر ودایع دولت باشد خواه آن شخص با پایه و یا بی پایه دارای دست مزد و یا بدون دستمزد باشد مثلاً مأمورین شهرداری ها که عوارض شهرداری را وصول می نمایند و صاحب دفتر ازدواج و طلاق که برای ثبت واقعه و جهی بنام الصاق تمبر دریافت می کنند با این که مأمور دولتی نیستند و شاید حقوقی هم دریافت نمی دارند در صورتی که از وجوه مزبور برداشتی نمایند مشمول ماده فوق الذکر هستند.

مقصود از امین و کلمه امناء در ماده فوق هر کسی است که بر حسب وظیفه ای که انجام می دهد مالی به او سپرده شود مانند مدیر دفتری که تمبرهای عدلیه برای الصاق

مبلغ را مسترد نماید برای اثبات برائت خود نمی تواند به سپردن کفیل اولیه توسل جوید و دفاعاً اظهار نماید که قبلاً ده هزار ریال کفیل یا ملک ثبت شده بمالیه سپرده بودم که در صورت کسر و نقصان از آن محل جبران شود. این مدافعات کافی برای اثبات برائت نبوده و صرف برداشت و کسر در محاسبه بشرح فوق رکن دوم اختلاس را ایجاد مینماید.

رکن سوم

نوع اشیاء اختلاس شده

لازم است اشیاء اختلاس شده از اشیاء مندرجه در ماده ۱۵۲ باشد از قبیل وجوه نقد یا اسناد و مطالبات یا اوراق یا حوالجات یا هر شیئی منقول دیگری مثلاً اوراق بهادار از قبیل سهام بی اسم شرکت مشمول عبارت اسناد خواهد بود و اوراق ثبت اسناد و عدلیه و سایر اوراقیکه اداره کارپردازی هر وزارتخانه تهیه و شعبه آن اداره برای فروش میدهد مشمول عبارت اوراق خواهد بود.

اشیاء موجوده در هر اداره ای و وزارتخانه مشمول کلمه اشیاء منقول و تصرف غیر قانونی در آنها جرم اختلاس را ایجاد مینماید مثلاً میز و صندلی و لوازم التحریری که در اداره برای کار مهیا شده چنانچه شخص که آن شیئی بدست او سپرده است آن اشیاء را بمنزله خود برده و برای خوائج شخصی خود استعمال نماید مرتکب جرم اختلاس گردیده. اوراق ملزوماتیکه برای نوشتن کارهای دولتی تهیه شده چنانچه صرف مکاتبات شخصی گردد بعقیده نگارنده جرم اختلاس را ایجاد مینماید ممکن است گفته شود که شرط در جرم بودن استعمال و تصرف اشیاء مزبوره آن است که اشیاء مزبوره بایستی مالیت داشته باشد مثلاً یک ورقه یادداشت و بنا یک دانه سنجاق متعلق بدولت مالیت ندارد زیرا مال بشیئی اطلاق میشود که قیمت داشته باشد و اگر آنرا بیبازار بپردازد بتوان آنرا بمبلغی فروخت و ورقه یادداشت و دانه سنجاق چون در بازار قیمتی ندارد مالیت نداشته و تصرف در آنها موجب جرم اختلاس نیست.

و خارج نمودن شیئی است بطور مخفی از تصرف دیگری در صورتیکه اختلاس برداشتن اموال و نقود دولتی بِنفع برداشت کننده که اشیاء مزبوره در تصرف خود او بوده است عبارت ماده ۱۵۲ قانون مجازات ایران بعقیده نگارنده بهتر از عبارت ماده ۱۶۹ قانون مجازات عمومی فرانسه تنظیم شده است از عبارت فوق فهمیده میشود که رکن دوم ایجاد کننده جرم اختلاس آنست مجرمی که شیئی بسبب وظیفه بدست او سپرده شده است آن شیئی را داخل در مستملکات خود نماید بعبارة آخری از محلی که نقود یا اموال دولتی در آنجا محفوظ است برداشت و در محلیکه اموال خود او در آنجا هست ضبط و حفظ نماید یا آنکه در اموال مزبوره تصرفاتی نماید مثلاً تقدیمه دولتی را صرف امور شخصی نماید یا اموال دولتی را برای خود استعمال کند مثلاً فرش دولتی که در انبار دولت و بدست کار پرداز سپرده شده بمنزل شخصی برده و آن را برای خوائج شخصی خود استعمال نماید یا از وجوه دولتی برداشت و بحساب شخصی خود معاملاتی نماید این اعمال رکن دوم جرم اختلاس را تشکیل میدهد.

بخلاف آنکه چنانچه صندوقدار در حسابی اشتباه کند مثلاً رقم کمتری را موجودی خود قلمداد نماید در صورتیکه موجودی او رقم بیشتری بود بشرط آنکه آن رقم بیشتر در صندوق دولتی موجود باشد بمکس آنکه اگر محاسب در حساب خود اشتباه و تصور نمود مثلاً ده هزار ریال در صندوق اضافه دارد آن اضافه را برای خود برداشت و صرف خرید مال دیگری نمود بعداً در نتیجه محاسبه معلوم شد که در حساب اولیه اشتباه نموده و ده هزار ریالی اضافه نبوده است فوراً شیئی خریداری شده از آن ده هزار ریال را بمعرض فروش گذارده و همانقدر پول حاضر و بصندوق مسترد نماید رکن دوم اختلاس واقع شده النهایه ممکن است گفته شود که رکن پنجم قصد جرم وجود پیدا نکرده است:

مجرم نمیتواند دفاع کند که تأمینی را که قبلاً بمبلغ ابواب جمعی خود سپرده کافی برای کسر صندوق او بوده است مثلاً اگر صندوقداری ده هزار ریال از صندوق دولت برداشت کند پس از ثبوت اختلاس و رسیدگی به محاسبه فوراً آن

رکن چهارم

اشیاء مزبور بایستی بحسب وظیفه بدست مجرم سپرده شده باشد یا در حکم سپردن باشد.

در ماده ۱۶۹ قانون مجازات عمومی فرانسوی عبارت سپرده شدن سبب وظیفه ذکر نشده بلکه بودن شیئی درید مغتلس کافی برای ایجاد رکن چهارم است بسا ممکن است که مال را کسی بدست امین یا تحویلدار و یا تحصیلدار سپارد و خود او بر حسب وظیفه تصرف کند مثلاً مدعیان عمومی که حافظ حقوق دولت هستند در بیابانی در حال عبور مشاهده کنند که مقداری اموال دولتی را که سارقین یا مغتلسین ربوده اند و بواسطه ترس از تعقیب که از آنها بعمل آید آنها را در بیابان گذارده و فرار نموده اند بر حسب وظیفه آن اشیاء را حفظ و ضبط مینمایند چنانچه در اموال مزبوره خلاف امانتی مرتکب شوند مشمول ماده ۱۵۲ قانون مجازات خواهند بود در صورتیکه ظاهراً این اموال را کسی بدست آنها سپرده است بلکه در بیابان یافت نموده اند در صورتیکه (از کلمه سپرده آنها) مندرج بعد از کلمه وظیفه در ماده ۱۵۲ فهمیده میشود که تبیستی آن اموال را مقامات صلاحیت دار بدست امین یا مستخدم سپارد برای احتراز از این اشتباه (کلمه در حکم سپردن) را در تعریف رکن چهارم اضافه نمودیم تا آنکه اشتباه مزبور حاصل نگردد و بهتر آن بود که بجای (کلمه سپردن) عبارت نگاهدار امانت ذکر میشد همانطوریکه در نص فرانسوی ذکر شده.

چنانچه وظیفه مستخدم مقتضی نگاهداری امانت است تسلیم شیئی به او نباشد و بر خلاف قانون و نظامات اداری شیئی را بدست او سپارند سپس در آن شیئی تصرف غیره تونی نماید مشمول ماده ۱۵۲ نخواهد بود (جارسون ماده ۱۶۹ فقره ۶۴ جار و فقره ۴ صفحه ۳۲۵ و ۳۲۶)

مثلاً طبق نظامات دولتی صندوقدار و تحویلدار مالیه و هر شخصی که مبلغی بعنوان اموال جمععی باز سپرده میشود بایستی بمقتدار سپرده شده ضامن بسپارد بدهکاران بدولت مکلفند بدهی خود را به تحصیلدار یا تحویلدار مالیه تسلیم

این استدلال به نظر منطقی نخواهد بود زیرا در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی قبل از کلمه منقول اگر عبارت مال ذکر میشد ممکن بود این استدلال صحیح باشد لیکن متأسفانه کلمه اشیاء قبل از منقول ذکر شده اشیاء جمع شیئی که اطلاق بر شیئی جزئی نیز میگردد شیئی اعم از آنست که مالیت داشته یا نداشته باشد قابل فروش در بازار بوده و یا نبوده باشد قیمتی را دارا بوده و یا عبارت آخری یک برگه و یک چوب کبریت نیز شیئی محسوب است.

بطوریکه فوقاً گفته شد ظاهر عبارت (هر شیئی منقول) شامل اشیاء جزئیه که مالیت یا قیمت نداشته باشد نیز میگردد و مجازات مغتلس آن بشرح مندرج در ماده ۲ قانون مصوب ۱۶ آذر ۱۳۱۶ است ولی جزء ۴ از متمم قانون جزاء عمال دولت مصوب ۳۰ آبان ۱۳۰۸ که بعد از مواد فوق الذکر وضع شده برای جرائم اختلاس و کلاه برداری که بدفعات یا دفته واحده ارتکاب و از پنجاه تومان کمتر باشد در صورتیکه مرتکب آن مستخدم دولت باشد برای مرتکب انفصال ابد از خدمات و تأدیه پنج برابر آنچه اختلاس شده است مجازات مقرر نموده ولی به اشخاص غیر مستخدم که مرتکب اختلاس کمتر از پنجاه تومان گردند مجازات تعیین نکرده.

بطوریکه فوقاً گفته شد چنانچه شخصی از طرف دولت امین شناخته شده و اموال او سپرده شود و آن شخص مستخدم دولت اعم از رسمی و یا غیر رسمی باشد و در مبلغی کمتر از پنجاه تومان مرتکب خیف و میل شود مشمول ظاهر ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی است ولی ماده ۲ قانون مجازات مغتلسین اموال دولتی مصوب آذر ۱۳۰۶ جزء چهارم از متمم قانون دیوان جزاء عمال دولت مصوب ۳۰ آبان ۱۳۰۸ این شخص امین را که مرتکب اختلاس شده از حیث مجازات از ماده ۲ قانون مصوب آذر ۱۳۰۶ خارج نموده و بنا بر این او را نمیشود طبق مواد مزبور مجازات نمود بلکه عمل او مشمول ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی خواهد گردید.

کنند چنانچه مؤدی مالیاتی در آخر وقت با اداره مالیه مراجعه نماید که اداره مالیه تعطیل شده وجه مالیاتی را برای آنکه مشمول مجازات تأخیر مالیات وصول دوازده فرس تأخیر نگردد وجه مالیاتی را بخواهد بدست سرایدار داده و از او رسید بگیرد سرایدار مزبور از گرفتن وجه امتناع کند مؤیدی مالیات مشارالیه را تهدید نموده و به او اظهار نماید اگر این پول را از من نگرفته و رسید ندهید فلان مجازات را خواهی کشید سرایدار مزبور از ترس خود وجه مزبور را گرفته و رسیده سپس در آن اختلاس نماید.

فرض دوم

آنکه سرایدار اداره بمحل وصول مالیات زفته خود را بنام تحصیلدار معرفی و وجوه مالیاتی به زور از مؤدی دریافت کند سپس در آن وجوه مرتکب حیف و میل و بآهر تصرف غیر قانونی گردد این دو دسته از اشخاص را نمی شود طبق ماده ۱۵۲ مجازات نمود زیرا وظیفه آنها امانتداری و تحویلداری یا تحصیلداری نبوده است سپردن مال به آنها یا اقدام خود آنها بگرفتن مالیات چون وظیفه آنها نبوده در حدود مواد ۲۵۱ و ۲۴۱ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب جزائی هستند.

فرض سوم

شخصی در دادگاه خلاف محکوم بغرامت نقدی شده قبل از آنکه پرونده بدفتر بازگشت نماید تقریر نویس دادگاه مبلغ غرامت محکوم به را از محکوم علیه دریافت کند سپس آن مبلغ را بفتح خود ضبط نماید مختلس اموال دولتی محسوب نمیکند زیرا بر حسب وظیفه موظف بگرفتن غرامت محکوم به نبوده بلکه بر حسب نظامات جاریه دفتر دادگاه مکلف است غرامت را از محکوم علیه دریافت و در مقابل آن نمبر باطل نماید یا برای وصول آن بمأمورین اجراء دستور وصول بدهد تقریر نویس دادگاه جز اعاده پرونده بدفتر وظیفه دیگری نداشته بنابراین موظف بوصول غرامت نبوده و غرامتی که به او داده شده است در حکم امانت بوده و میبایستی بدفتر تحویل نماید که مرتکب خیانت در امانت شده و در حدود ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب است.

رکن پنجم

قصد جرم

جرم اختلاس بطوریکه قبلاً ذکر کردیم از افراد جرم خیانت در امانت محسوب و یکی از ارکان متمم جرم قصد جرم است و این قصد مستفاد از کلمه اختلاس میگردد.

بطوریکه فوقاً گفته شد اشتباه در محاسبه و نوشتن رقم کمتر از ابواب جمعی در صورتیکه مازاد آن رقم در صندوق موجود باشد جرم محسوب نیست از آن عبارت کلمه قصد جرم و رکن پنجم استفاده میگردد (چار و فقره ۴ صفحه ۳۲۴ جازسون ماده ۱۶۹ فقره ۶۳) مثلاً اعتبار مصارفی به نام مأمورین مالیه ابلاغ می گردد که طبق مواد بودجه ابلاغی مصارف را بپردازد مصارفیت مزبور برای صرف در ۲۰ ماده بودجه يك اداره و ۲۰ ماده بودجه اداره دیگری است مأمور که مبلغ اعتبار بدست او سپرده شده اشتهاً مصارف يك ماده از بودجه را زیاد از مبلغی که برای آن ماده تعیین شده صرف مینماید پس از رسیدگی بمحاسبه مبلغی کسر آورده و معلوم میشود مثلاً از ماده ۱۹ بودجه عدلیه ده هزار ریال بدهکار است ولی از ماده ۱۶ ثبت اسناد ده هزار ریال اضافه بر اعتبار صرف نموده چون این عمل فاقد قصد جرم است عمل مشارالیه مشمول ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی نخواهد بود.

فرض دوم

مأمور ساختمان مبلغ ده هزار ریال برای پرداخت وجوه عمله جات از صندوق دوات اخذ و بمحل ساختمان برده لیست عمله جات که بالغ بر هشت هزار ریال است شروع بپرداخت مینماید در اثناء پرداخت ممکن است چند قطعه اسکناس یا صدریالی را اشتهاً بجای اسکناس صدریالی بپردازد پس از رسیدگی بمحاسبه کسری او معلوم میگردد - این عمل ناشی از قصد جرم و سوء نیت نبوده عمل او را نمیتوان جرم حساب نمود.

از مجموع عبارت فوق و قصد سوء مجرم فهمیده میشود که مختلس وقتی مختلس خوانده میشود که وجوه اختلاس شده را بفتح خود تصرف نماید یا برای نفع خود صرف نماید

ممکن است گفته شود در صورتیکه وجود یا اموال دولتی را برای فائده شخص دیگری صرف نماید مجرم نیست.

برای رفع این اشتباه کلمه «یا هر تصرف غیر قانونی» در ماده ۱۵۲ ذکر شده اینها بر این شرط قصد جرم آن نیست که مرتکب شخصاً از وجود اختلاس شده اشتباه نماید بلکه اگر مرتکب وجوه دولتی را که در نزد او امانت است به ارحام و اقارب خود که آنها را گرسنه یا مستاصل مشاهده میکنند بدهد یا برای آنها صرف نماید سوء نیت و تصرف غیر قانونی او ایجاد شده و در حدود ماده مزبوره قابل تعقیب است.

گاهی در عمل برای قاضی تحقیق اشکالاتی پیدا میشود که آیا قصد جرم وجود داشته یا خیر مثلاً محاسب اموال دولتی در وقتیکه بایستی صورت حساب بدهد از تنظیم صورت حساب و دادن حساب عاجز میماند بعنوان مختلس تحت تعقیب در آمده پس از رسیدگی و تنظیم محاسبه او معلوم میشود هزار ریال کسر دارد و کسری آن در صندوق موجود نیست گر چه ظاهراً این عمل سوء نیت را اثبات نمیکند ولی قرینه و آماره است برای وجود سوء نیت یا

بالعکس وقتیکه پس از رسیدگی بمحاسبه و معلوم شدن کسری فوراً بلافاصله آن کسری را از صندوق که در دست او است در آورده و نشان دهد یا اسناد خرج قرینه و آماره است بر عدم سوء نیت به خلاف آنکه پس از رسیدگی بمحاسبه متهم فرار نماید یا مخفی شود یا در اوراق و دفاتر او قلم خوردگی و تزویری مشاهده گردد که معلوم میشود مرتکب سوء نیت داشته و سوء نیت او بقرینه مزبوره ثابت میگردد.

چون قصد و نیت سوء از افعال قلمی و برای آن نمی توان دلیلی جز از طرف قاصد ذکر کرد و از طرفی قصد سوء نیت مجرم برکن پنجم مشکوک جرم بود لذا برای بدست آوردن رکن پنجم ناچاراً بایستی بقرائن و امارات فوق الذکر توسل یافت. بشرحیکه فوقاً بیان نمودیم وجود قصد سوء یا عدم وجود آن را اثبات کرد

مشیر حسینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی